

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان لبنان با تأکید بر جنبش حزب‌الله

سید مهدی طاهری*

چکیده

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان نقطه آغاز خیزش بیداری اسلامی در نیمه دوم قرن بیستم، نویدبخش دوره جدیدی از ظهور اسلام بود که سایر ملت‌های اسلامی از جمله شیعیان لبنان را به تکاپو واداشته و شیعیان این کشور و به‌خصوص جنبش حزب‌الله، به‌برکت انقلاب اسلامی، به‌تدریج نقش فزاینده‌ای را در تحولات سیاسی اجتماعی ایفا کرده‌اند.

انقلاب اسلامی ایران با تأثیرگذاری در عرصه فرهنگی (تقویت هویت شیعی)، سیاسی (سهم بیشتر در قدرت) و اجتماعی (بهبود شدن وضعیت شهروندی)، سهم بسزایی در رشد و پیشرفت و انجام اقدامات سیاسی - اجتماعی و کسب موفقیت‌های شیعیان لبنان به‌خصوص جنبش حزب‌الله داشته است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی ایران، شیعیان لبنان، جنبش حزب‌الله،

Seyedmehditaheri@gmail.com

پذیرش نهایی: 89/10/14

* عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

تاریخ دریافت: 89/7/3

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یکی از رخداد‌های بزرگ قرن بیستم، در شرایطی به‌وقوع پیوست که کمتر کسی آن‌را در شرایط انقلابی تصور می‌کرد؛ زیرا برآوردهای ناشی از وضعیت جهانی در دوران دوقطبی و حمایت قدرت‌های خارجی از نظام حاکم بر ایران، بیانگر آن بود که تحولات ایران در دهه 1350 به‌ثبات نسبی ختم می‌شود. پس از پیروزی انقلاب، اسلام انقلابی در تقابل با غرب و شرق قرار گرفته و علی‌رغم فشارهای شدید نظام بین‌الملل و سایر دولت‌های منطقه، در سطوح جهانی و منطقه‌ای تأثیرگذار بوده است.

انقلاب اسلامی با تجدید حیات قدرت سیاسی اسلام، به‌چند قرن خمودگی و انحطاط تمدن اسلامی خاتمه داده و موجب بروز نوعی احیاءگری اسلامی بر پایه بازگشت به‌ایدئولوژی و مکتب اسلام شد. با اتخاذ اسلام به‌عنوان هدف و ابزار مبارزه از سوی انقلابیون ایران، برخی از جنبش‌ها و سازمان‌های سیاسی و مبارزاتی در عرصه ناسیونالیسم، کمونیسم و لیبرالیسم، رنگ‌باخته و توان اثرگذاری خود را از دست دادند.

به‌دنبال گسترش موج اسلام‌گرایی و ظهور گروه‌ها و جنبش‌های سیاسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، توجه اندیشمندان به‌سوی تفکر در مورد جریان‌ات اسلامی گرایش یافته و بحث‌هایی در این زمینه شکل گرفت. بیشتر مباحث نظری در قالب گفتمان نوگرایی یا تقابل سنت و تجدد بود، تا بتواند عوامل گسترش موج گرایش سیاسی - مذهبی را در میان جنبش‌های اسلامی کشف کند. آنچه در میان این مباحث کمتر به‌چشم می‌خورد، توجه به‌بحث‌هایی پیرامون علل توجه اسلام‌گرایان به‌ویژه تشیع به‌اقدامات جمعی و عوامل مؤثر در شکل‌دادن به آن است. لذا برای یافتن مدل مناسب برای تحلیل این واقعیات، باید سراغ نظریات رفته تا بتوان تحلیل مناسبی از رفتارها و اقدام جمعی مسلمانان ارائه داد.

برای شناخت علل این اقدامات باید به‌شناخت انگیزه‌ها و علل و عوامل پیوستن به‌گروه‌های اسلامی برای انجام اقدام جمعی و جهت‌گیری‌های سیاسی توسط انقلابیون ایران و جنبش‌هایی از قبیل جنبش حزب‌الله در لبنان پرداخته شود، تا بتوان تحلیل

مناسبی از موفقیت‌های آنان ارائه دهیم.

دامنه اقدام جمعی شامل اقدام جمعی مسالمت‌آمیز و فعالیت‌های فردی (همانند عملیات استشهادی) و فعالیت جمعی خشونت‌آمیز است (تدگر، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند: 24) و عمده‌ترین نظریه‌پردازی پیرامون اقدام جمعی از اواخر دهه 1960 به بعد و پس از ظهور جنبش‌های نوین اجتماعی مطرح شدند. قابل توجه آنکه مفهوم اقدام جمعی، بخشی از مطالعه عمومی‌تر تحول اجتماعی است که مفاهیمی همچون ثبات، بی‌ثباتی، خشونت و انقلاب را دربر گرفته است. درباره مفهوم اقدام جمعی، رهیافت‌های گوناگونی وجود دارد که تمرکز آنها بر علل و عوامل فعالیت سازمان‌یافته گروه‌هایی است که در پی دستیابی به اهداف خاصی هستند.

«ماکس وبر» با طرح مفهوم کنش اجتماعی، معنای ذهنی کنش و کنش‌گر و رفتار دیگران را مدنظر قرار داده است. از نظر او کنش‌های اجتماعی در رابطه با یکدیگر، رابطه اجتماعی را می‌آفرینند که از جمله آنها مبارزه می‌باشد و مبارزه نیز همراه با توسل به خشونت فیزیکی یا مسالمت‌آمیز است که از تعهد اعضای جمع و به نوع خاصی از نظام عقاید سرچشمه می‌گیرد. (وبر، مفاهیم اساسی در جامعه‌شناسی: 33 و 103)

بسیاری از محققان نیمه دوم قرن بیستم که نظریه‌پرداز جنبش اجتماعی هستند، چارچوب نظری ماکس وبر در خصوص نقش عقاید در اقدامات جمعی را راهنمای خود قرار داده‌اند. ما نیز در این مقاله با این الگوی نظری درصدد بررسی این موضوع هستیم که چگونه محرومیت شیعیان لبنان در دوران معاصر، باعث شد که جنبش حزب‌الله، با تکیه بر نظام عقیدتی شیعه و پیروی از الگوی آرمانی آن در دنیای معاصر (انقلاب اسلامی ایران)، درصدد دستیابی به حقوق واقعی خود در جامعه لبنان برآید.

شایان ذکر است که با وجود طوایف متعدد در جامعه لبنان، هر طایفه‌ای برای اعمال نفوذ در این کشور، نیازمند توان ذاتی طایفه خود و همچنین حمایت یک قدرت خارجی است؛ این در حالی است که شیعیان لبنان در طول تاریخ، هیچ یک از عوامل مورد نیاز برای اعمال قدرت در جامعه لبنان را در اختیار نداشتند. هرچند شیعیان لبنان با رهبری

علمایی همچون «علامه شرف‌الدین» و «امام موسی صدر»، تلاش‌های بسیاری برای دستیابی به حقوق خود انجام دادند؛ ولی با این حال موانع ایجادشده از سوی دشمنان داخلی و خارجی، باعث شد که آنها به‌اهداف مورد نظر دست نیابند.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران که همزمان با ناپدید شدن امام موسی صدر بود، زمینه‌ساز احیای نهضت شیعی لبنان شده و در این راستا نگارنده بر مبنای روش توصیفی - تاریخی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی در لبنان و ایران، درصدد پاسخ به این سؤال است که انقلاب اسلامی ایران چه تأثیرات مهمی بر شیعیان لبنان به‌خصوص جنبش حزب‌الله در انجام اقدامات سیاسی - اجتماعی و کسب موفقیت‌های آنان داشته است؟

در خصوص درک بهتر این موضوع، ضرورت دارد که ابتدا توصیف مختصری از جامعه لبنان و وضعیت شیعیان در دوره تاریخی قبل از انقلاب اسلامی ارائه کرده تا بتوان تأثیرات انقلاب اسلامی بر شیعیان این کشور و جنبش حزب‌الله را برجسته کرد.

توصیف جامعه لبنان

کشور لبنان به‌عنوان کوچک‌ترین سرزمین خاورمیانه پس از بحرین، پرجمعیت‌ترین کشور نسبت به وسعت خاکی خود در خاورمیانه است که در نوامبر 1943 میلادی استقلالش به رسمیت شناخته شد. این کشور از لحاظ جغرافیایی، در غرب آسیا و ساحل شرقی دریای مدیترانه قرار دارد که از شمال و شرق، با سوریه و از جنوب، با فلسطین اشغالی همسایه است. کشور لبنان در وضعیت مناسبی برای ارتباطات اقتصادی، تجاری و فرهنگی بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار داشته و محل تلاقی مسیحیت با اسلام و دروازه اتصال جهان عرب به اروپا است. کوهستانی بودن این کشور باعث شده تا به‌پناهگاه مناسبی برای اقلیت‌های مذهبی سرزمین‌های همسایه تبدیل شود؛ اما با این حال به‌دلیل کثرت طوایف مذهبی - سیاسی، تقسیم قدرت در این کشور همیشه با اختلافاتی مواجه بوده و طایفه‌گرایی و فرقه‌گرایی نمایانگر ساخت جامعه لبنان است.

در کشور لبنان 18 طایفه مذهبی وجود داشته و بر مبنای اصل 95 قانون اساسی لبنان، پست‌های حکومتی بر اساس وابستگی‌های طایفه‌ای و مذهبی تقسیم شده و مطابق آن رئیس‌جمهور از میان مارونی‌ها، نخست‌وزیر از میان سنی‌ها، رئیس مجلس از میان شیعیان، نائب رئیس اول مجلس از میان ارتدوکس‌ها و تعدادی از وزرای کابینه نیز از میان این فرقه‌ها و سایر فرقه‌ها باید برگزیده شود. (الخوند، الموسوعة التاريخية الجغرافية: 180)

نکته قابل توجه در این خصوص آن است که سابقه حضور استعمار فرانسه در این کشور، توازن طایفه‌ای را به نفع مسیحیان تمام کرد؛ زیرا طبق آخرین سرشماری طایفه‌ای رسمی به عمل آمده در سال 1932 توسط فرانسوی‌ها، مسیحیت با 51 درصد، اکثریت جامعه لبنان را تشکیل می‌داد. اما پس از آن تاریخ تا به حال دیگر هیچ آمار رسمی برای جمعیت طایفه‌ای لبنان اعلام نشده است. (نادری سمیری، لبنان: 6 و 7) در واقع عدم اعلام آمار رسمی، بدان دلیل است که جمعیت مسلمانان، به خصوص شیعیان به دلیل زاد و ولد بیشتر، بالا رفته و در عین حال جمعیت مسیحیان به دلیل مهاجرت به اروپا کاهش یافته است و حتی به اعتراف خود مسیحیان نیز، مسیحیت در جامعه لبنان به اقلیت تبدیل شده است. «تیری دژاردن» در این زمینه می‌گوید: «بدبختانه افزایش جمعیت مسلمانان بر پیش نویس قانون نویسان پیشی گرفته است و همه می‌دانند که امروز مسیحیان در لبنان به اقلیت تبدیل شده‌اند». (دژاردن، صد میلیون عرب: 178)

در حال حاضر شیعیان با توجه به کثرت جمعیت در قیاس با سایر طوایف، گرچه بر مبنای قدرت طایفه‌ای مبتنی بر جمعیت، سهم ناچیزی از قدرت را کسب کرده‌اند، اما در پناه حمایت جمهوری اسلامی ایران، در قیاس با قبل از انقلاب اسلامی، پیشرفت چشمگیری داشتند که برای درک بهتر این وضعیت، ضرورت دارد به صورت مختصر به بررسی اجمالی وضعیت آنها قبل از انقلاب اسلامی ایران بپردازیم تا بهتر بتوان اثرات انقلاب اسلامی بر موفقیت‌های شیعیان را شناخت.

شیعیان لبنان، قبل از انقلاب اسلامی ایران

نسب اصلی جامعه شیعی لبنان به منطقه جبل عامل برمی گردد و علمای شیعه، تأسیس جامعه شیعه جبل عامل را به ابوذر غفاری نسبت می دهند. (العاملی، جبل عامل فی التاريخ: 49) شیعیان لبنان، از قرن سوم هجری، تحت حاکمیت امویان، حکام ایوبی، حکومت ممالیک و حکومت سلاطین سنی مذهب قرار داشتند. از آنجایی که بسیاری از شیعیان در این دوران در معرض قتل و اسارت قرار گرفته بودند، لذا برخی از آنها برای نجات خویش، تغییر مذهب داده و جزو اهل سنت شدند و برخی دیگر نیز به مناطق کوهستانی جبل عامل مهاجرت کردند. (المهاجر، التأسيس لتاریخ الشیعه فی لبنان و سوریه: 52) دورافتادگی جغرافیایی این مناطق و دوری آنها از ظلم حاکمان سنی، نه تنها سبب تداوم و استمرار یک فرهنگ شیعی در این ناحیه شد، بلکه همچنین باعث جذب شیعیان امامیه از سایر مناطق به این ناحیه گردید. (الحرالعاملی، امل الامل، ج 1: 15)

در دوران حکومت عثمانی، فاصله و شکاف میان شیعیان با سایر طوایف زیادتر شد؛ زیرا مارونی‌ها با فرانسه، دروزی‌ها با بریتانیا و ارتدوکس یونانی با روسیه متحد بودند و سنی‌ها نیز خود را بخشی از خلافت عثمانی دانسته و از حمایت آنان برخوردار بودند. (حماده، تاریخ الشیعه فی لبنان: 88 و 89) در این میان تنها، گروه شیعه بود که از حمایت قدرت خارجی محروم بود و فقط گاهی از جانب حکام قاجار نسبت به رفاه برخی از تجار شیعه علاقه‌ای ضعیف نشان داده می شد. (20: Fawaz, Merchants and Migrants in ...)

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، با اصلاحات ارضی حکومت عثمانی، در نواحی شیعه‌نشین دگرگونی محدود اقتصادی - اجتماعی پدید آمد که در نتیجه به رشد گروه کوچکی به نام «اشراف یا زعما» منجر شده و این گروه توانستند مالکیت برخی اراضی را به دست گیرند. با تمرکز ثروت در دست زعما، آنها به عنوان نمایندگان مناطق شیعی در شوراهای اداری عثمانی محسوب می شدند. (Buheiri, Intellectual Life in the: 122&121)

به موازات زعما، خاندان‌های تحصیل کرده علما که از طبقات مختلف بودند، به واسطه تحصیلاتشان از وجهه اجتماعی قابل ملاحظه‌ای برخوردار بودند، (معینی آرانی، ساختار

اجتماعی لبنان و آثار آن: 22) ولی از آنجا که طبقه غالب در جامعه - شامل روستاییان و دهقانان - تابع زعما بودند، لذا علما پایگاه اقتصادی گسترده‌ای نداشته و در نتیجه در تدوین خط سیر مستقل سیاسی محدود بودند. (Buheiri, Ibid : 119&120)

با فشار قدرت‌های اروپایی بر حکومت عثمانی و تضعیف حاکمیت در اواخر قرن نوزدهم، گرچه برخی از زعمای شیعه بانی تجدید حیات و بیداری سیاسی شدند، ولی با این حال، اکثریت شیعیان از لحاظ جغرافیایی در انزوا، از لحاظ سیاسی ضعیف و از نظر اقتصادی تابع حکومت خاندان‌های فتودال متخاصم باقی مانده و به‌همین منوال وارد قرن بیستم شدند. (Ibid: 92&93)

با فروپاشی امپراتوری عثمانی پس از جنگ جهانی اول و ورود فرانسه به لبنان و متعاقب آن شکل‌گیری قیام دروزی‌ها، با توجه به بی‌اعتمادی شیعیان نسبت به ناسیونالیسم، فرانسوی‌ها به‌منظور راضی‌نگهداشتن شیعیان و جلوگیری از پیوستن آنها به دروزی‌ها و عدم شکل‌گیری یک جبهه متحد اسلامی علیه فرانسه، با پذیرش رسمیت مذهب شیعه به‌عنوان یکی از مذاهب رسمی در لبنان، رسماً وضعیت حقوقی جداگانه‌ای برای شیعیان قائل شده و با تأسیس دادگاه‌های شرع جعفری در لبنان، برای نخستین بار در طول تاریخ لبنان، شیعیان به‌عنوان یک گروه دینی جدا از اهل سنت و برخوردار از تشکیلات قضایی، به رسمیت شناخته شدند. (Olmert, The Shiites Of Lebanon: 10)

در دهه 1950، در اثر همکاری طوایف مختلف لبنانی از جمله شیعیان، این کشور از سلطه فرانسه خارج شده و با مجاهدت‌های علامه شرف‌الدین در روند استقلال و همچنین تلاش وی برای خروج شیعیان از حالت انزوا، به تدریج شاهد روند سریع جابه‌جایی شیعیان به سمت شهرها و خروج از انزوا می‌باشیم.

پس از فوت آیت‌الله شرف‌الدین، آیت‌الله سیدموسی صدر، بنابر وصیت ایشان به لبنان رفته و فعالیت‌های خود را بر مبنای دومحور اساسی قرار داد: تکمیل کارهای مرحوم شرف‌الدین و شروع برنامه‌های جدید و آغاز اقدامات اساسی. (دعوتی، مسلمین شیعه در

لبنان: 10)

امام موسی صدر برای حل مشکلات شیعه، چند اقدام اساسی انجام داد که عبارت بودند از:

1. تأسیس جنبش محرومین در راستای سیاست محرومیت‌زدایی. (حیدر، الاشیاء باسمائهما من اجل لبنان افضل: 49 و 50)
 2. تأسیس مؤسسات فرهنگی، آموزشی و حرفه‌ای با هدف ایجاد اشتغال و خودکفایی اقتصادی، کاهش درصد بی‌سوادی، رشد فرهنگ عمومی و اجرای پروژه‌های عمرانی در مناطق محروم. (غریبه، معمار هویت: 15)
 3. تأسیس مجلس قانونی شیعی - مجلس اعلاى شیعه - به‌عنوان تشکیلات قانونی برای احقاق حقوق طایفه شیعه. (اباذری، امام موسی صدر سروش وحدت: 115)
 4. همکاری با همه طوایف مذهبی لبنان و کوشش برای حفظ وحدت کشور در برابر اشغالگری اسرائیل. (یزدی، نقش امام موسی صدر در لبنان و انقلاب ایران: 409)
 5. ائتلاف سیاسی با سوریه به‌رهبری حافظ اسد به‌عنوان حامی شیعیان در عرصه‌های مالی، سیاسی و پشتیبانی نظامی و تسلیحاتی. (علیزاده، فرهنگ سیاسی لبنان: 192)
 6. تأسیس شاخه نظامی حرکت المحرومین - امل.¹ (چمران، لبنان: 187 و 188)
- گرچه شیعیان با تأسیس جنبش امل، تحت رهبری یک نهاد دینی و برخورداری از حمایت کشور سوریه، درصدد بودند تا به‌اهداف واقعی خود در جامعه لبنان برسند؛ ولی شکل‌گیری جنگ داخلی لبنان و ناپدیدشدن امام موسی صدر، شیعیان را در رسیدن به‌اهداف خود با مشکل مواجه کرد؛ شیعیان لبنان از یک‌سو رهبر خود را ازدست داده بودند و از سوی دیگر نیز اقتدار و کارآمدی رهبران سنتی جامعه شیعه (افرادی همچون کامل اسعد، کاظم خلیل و عادل عسیران) در اداره امور شیعیان کاهش یافته و آنان دیگر قادر به حفظ موقعیت خود نبودند. (رابینوویچ، جنگ برای لبنان: 95) گرچه با وضعیت

1. افواج المقاومة اللبنانية.

مذکور، امید شیعیان در داشتن آینده‌ای بهتر کمرنگ شد، ولی پیروزی انقلاب شیعی در ایران، آنها را به‌آینده امیدوار کرد.

بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان لبنان

سرنگونی حکومت پهلوی در ایران باعث شد تا شیعیان لبنان با اتخاذ الگوی شیعی برگرفته از انقلاب ایران، به‌مبارزه برای کسب حقوق خود در جامعه لبنان پرداخته و با احیای نهضت شیعی متأثر از انقلاب اسلامی ایران، به‌جایگاهی از قدرت سیاسی - اجتماعی در جامعه برسند که در حال حاضر، دیگر بدون توجه به‌نظرات و خواسته‌های آنان، دستیابی به‌هرگونه توافق در جامعه فرقه‌ای - طایفه‌ای لبنان ممکن نیست. نگارنده در ادامه درصدد است تا به‌بررسی مهم‌ترین تأثیرات انقلاب اسلامی ایران و موفقیت‌های حاصله برای شیعیان لبنان، به‌خصوص جنبش حزب‌الله بپردازد.

1. گسترش موج بیداری اسلامی

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک انقلاب دینی در جهان غیرمذهبی مدرن، پدیده‌ای شگرف بود که به‌بازگشت عظمت دیرین دنیای اسلام می‌انداشید. درواقع این انقلاب با احیای تفکر اسلامی، نقش اسلام و مسلمانان را در عرصه‌های مختلف اجتماعی برجسته ساخته و عنصر هویت اسلامی را به‌عنوان واقعیتی پذیرفته شده در تقابل با هویت غربی قرار داد. با پیروزی انقلاب و استقرار نظام سیاسی مبتنی بر اسلام، همه مسلمانان جهان هویتی تازه یافته و احساس عزت و شخصیت اسلامی در آنان دمیده شد. (کدیور، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا: 101) درنتیجه، کوششی که در طول ده‌ها سال از سوی قدرت‌های استعماری و استکباری برای تحقیر مسلمانان به‌کار رفته بود، نقش برآب شد.

پیروزی انقلاب اسلامی، به‌گسترش موج بیداری اسلامی و تقویت نهضت‌های رهایی‌بخش در سراسر جهان اسلام کمک کرد. این انقلاب علاوه بر تقویت هویت

اسلامی مسلمانان لبنان در مقابل غرب‌گرایان و به‌خصوص مسیحیان و مارونی‌ها، سبب هویت‌یابی مجدد امت اسلامی در پرتو خیزش و نهضت بیداری اسلامی منبعت از انقلاب شد که یکی از دلایل جذابیت این انقلاب برای شیعیان لبنان بوده است. (خوشروزاده، هویت‌یابی مجدد امت اسلامی: 1385/11/2) به‌جرات می‌توان گفت که عامل اصلی تقویت جنبش امل پس از ناپدیدشدن امام موسی صدر¹ و یکی از دلایل اولیه تفکر و ایدئولوژی تأسیس حزب‌الله، ناشی از ایدئولوژی اسلامی بوده است که در میان شیعیان لبنان به‌بار نشسته و باعث شد که آنها نسبت به سایر مسلمانان و شیعیان جهان، بیشترین عکس‌العمل را برای تحسین آموزه‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی از خود نشان داده و دفاع از انقلاب و آرمان‌های آن را مقدس شمردند.

2. رواج اسلام انقلابی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری وضعیت جدید در نظام جهانی و منطقه‌ای، قدرت‌های جهانی که تا به حال در نزاع لیبرالیسم و مارکسیسم در دو جبهه مقابل هم قرار داشتند، به‌ابهت اسلام انقلابی پی‌بردند. در این دوره زمانی که به‌نظر می‌رسید برای سرنگونی یک رژیم، بیش از اینکه احساسات یا ایدئولوژی لازم باشد، انقلابیون نیاز به اسلحه دارند، در فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی ایران، انقلابیون با تکیه بر اسلام انقلابی و بدون توسل به مبارزه مسلحانه، در مقابل رژیمی کاملاً مسلح، صف‌آرایی کردند. لذا مبارزه انقلابیون مسلمان علیه سلطه مورد حمایت همه‌جانبه قدرت‌های بزرگ جهانی، موجب مطرح‌شدن معیارهای جدیدی شد و در واقع پیروزی انقلابیون مسلمان، کارآیی اسلام را در قرن حاضر نشان داد. یکی از نویسندگان، در این زمینه می‌گوید:

انقلاب اسلامی ایران برخلاف ایدئولوژی‌های رایج در جهان اسلام همچون

1. گرچه جنبش امل با جنگ داخلی ضعیف شد، ولی در اواخر دهه 1970 دو واقعه بسیار مهم باعث شد که شیعیان مجدداً در صحنه سیاسی لبنان قدرت بگیرند: اولی ناپدیدشدن امام موسی صدر و دومی پیروزی انقلاب اسلامی ایران که تا حد بی‌سابقه‌ای آگاهی سیاسی شیعیان را افزایش داده و مجدداً به آنها هویت بخشید. به نقل از: (Marirus, Lebanon : prospects for ...: 268).

ملی‌گرایی، لیبرالیسم و سوسیالیسم، اسلام انقلابی را عرضه کرد، یعنی چیزی که به مسلمانان توان می‌داد تا در پرتو آن، آزادی خویش را به دست آورده و در مقابل استعمار، صهیونیسم، سرمایه‌داری و نژادپرستی ایستادگی کنند. (حنفی، اسلام سیاسی: 21)

آوازه این انقلاب و آموزه‌های آن از جمله ایده انقلابی اسلام و اتحاد بین رهبر و مردم، مبارزان کشورهای ستم‌دیده را بر آن داشت که با الگو قراردادن انقلاب اسلامی ایران و تأسی از اسلام انقلابی موجود در آن، به اسلام‌گرایی و استعمارزدایی در جهان و به خصوص جهان اسلام بپردازند. به دنبال این انقلاب، گروه‌های دینی - انقلابی زیادی در کشورهای اسلامی پدید آمد که از جمله مهم‌ترین این کشورها لبنان بود. بعد از پیروزی انقلاب شیعی در ایران، عملاً این انقلاب منجر به اعتماد به نفس در میان جامعه شیعه لبنان شد؛ زیرا «پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سقوط حکومت طاغوت، تعادل قوا را بهم زده و راه پیروزی مردم را علیه استعمار هموار کرد. به شیعیان محروم لبنان قدرت و جرأت داد که با اتکا به اسلام علیه همه طاغوت‌ها ایستاده و بجنگند» (چمران، همان: 412) تا اینکه به جایگاه و حقوق واقعی خود در جامعه لبنان دست یابند.

اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام که مبتنی بر احیای اسلام انقلابی بود، روح تازه‌ای را در تاروپود حرکت‌های آزادی‌خواهانه شیعیان لبنان دمیده و در این راستا شکل‌گیری «جنبش امل اسلامی» و «حزب‌الله» را باید یکی از مهم‌ترین ثمرات اندیشه‌های انقلابی امام خمینی علیه السلام و انقلاب اسلامی ایران در لبنان دانست. در این زمینه «سید محمدحسین فضل‌الله» از علمای بزرگ لبنان می‌گوید:

انقلاب اسلامی ایران توانست اعتماد به نفس قابل ملاحظه را در مسلمانان زنده کند و آنان دریافتند مکتب اسلام قادر است تحرک سیاسی لازم را برای حل مشکلاتشان فراهم سازد. لذا به مسلمانان توصیه می‌کنیم فکر و اندیشه امام امت را سرلوحه مبارزات ضد استکباری خود قرار دهند. (بی‌نا، امام از نگاه جهان: 49)

3. گسترش اسلام سیاسی

انقلاب اسلامی ایران با هدف تأسیس نظام برخاسته از اسلام و پیاده‌سازی اصول اسلامی در تشکیل حکومت و همچنین نفی گفتمان‌های غربی حاکم بر ساختار نظام بین‌الملل، در عین حال که غرب را به لحاظ فنی و صنعتی بر جهان اسلام برتر می‌دانست؛ اما آن را از نظر اخلاقیات در انحطاط و پرتگاه نابودی دانسته و نظام سیاسی مبتنی بر جدایی دین از سیاست را طرد کرد. انقلابیون ایرانی با توجه به ایدئولوژی جهان‌شمول خود، احیای هویت اسلامی، مبارزه با ناسیونالیسم و برقراری اتحاد جهان اسلام در برابر غرب را از اهداف اساسی خود قرار داده و از این رو انقلاب ایران تهدیدی برای نظام جهانی و منافع ابرقدرت‌ها تلقی شد؛ زیرا گفتمان اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی، گفتمان جهانی را که در طول دو دهه سال سازماندهی شده بود، زاید به حساب آورده و ضمن احیای ارزش‌های اسلامی، در صدد القای تفکر اسلام سیاسی در سراسر جهان برآمد. حتی در میان مسلمانان اروپا نیز به اعتراف برخی از اندیشمندان مسلمان همچون احمد هوبر، «امام خمینی با طرح ابعاد واقعی اسلام، مسلمانان را سیاسی کرده و اندیشه و تفکر سیاسی را در میان مسلمانان ایجاد کرده و بسط داد». (هوبر، دستاوردهای انقلاب اسلامی در جهان امروز: 76)

از آنجایی که اسلام سیاسی، هویت خود را در تعارض با فرهنگ حاکم بر غرب تعریف کرده بود، هراس غرب از اسلام، تنها ناشی از ریشه‌های مذهبی آن نبوده، بلکه بیشتر ناشی از ریشه‌های سیاسی اسلام است و هسته اصلی برداشت از اسلام، نگرانی عمیق درباره تلفیق دین و سیاست است. (جرجیس، آمریکا و اسلام سیاسی: 28)

تضاد منافع غرب با ایران باعث شد تا آنها تحت عنوان بنیادگرایی اسلامی، در مقابل تحولات جدید موضع‌گیری کرده و این روند را تهدیدی برای منافع خود بدانند، لذا به این نتیجه رسیدند که باید اسلام‌گرایان سیاسی را سرکوب کنند. به همین دلیل آمریکا با حمایت از رژیم‌های سکولار در خاورمیانه و رسانه‌های تبلیغاتی خود، تبلیغات گسترده‌ای را مبنی بر اینکه اسلام‌گرایان، خشونت‌گرا و ضدغرب هستند، به راه انداخت تا بتواند

جلوی گسترش اسلام سیاسی شیعی در منطقه و جهان را بگیرد؛ ولی با این حال اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام، تأثیر شگرفی بر تغییر نگرش، استراتژی مبارزاتی و ایدئولوژی آزادی‌خواهان مسلمان داشته و افق‌های تازه‌ای به‌رومی مسلمان به‌خصوص شیعیان جهان گشود و سبب قیام‌هایی در برخی از کشورها علیه حکام شد که یکی از نمونه‌های بارز آن در لبنان است.

بعد از پیروزی انقلاب، گروه‌های اسلامی شیعه در لبنان مانند جنبش امل اسلامی و حزب‌الله و حتی گروه‌های اسلامی سنی مانند جنبش توحید اسلامی، تحت تأثیر مستقیم انقلاب ایران، رشد کرده و انقلاب ایران را الگویی برای خود قرار دادند. (فحص، شیعه لبنان ...) آمیختگی تشیع با سیاست در لبنان گرچه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با پیدایش جنبش امل توسط امام موسی صدر همراه بود، ولی با ناپدید شدن ایشان، این جنبش عملاً تنها در مسیر ملی‌گرایی لبنانی هدایت شده و افرادی همانند «نبیه بری»، گرچه «انقلاب اسلامی ایران را مایه سرافرازی و افتخار شیعیان لبنان می‌دانستند؛ ولی معتقد بودند که نسخه شفابخشی برای حل مشکلات جامعه طایفه‌ای لبنان نیست». (اسداللهی، از مقاومت تا پیروزی: 49) این جهت‌گیری‌ها در نهایت مورد مخالفت ناراضیان امل اسلامی قرار گرفت و این گروه، آشکارا با تأثیرپذیری از افکار انقلابی ایران، از اندیشه‌های «پان‌اسلامیسم» رایج در اوایل انقلاب اسلامی ایران حمایت کردند. به‌علاوه اینکه جنبش حزب‌الله لبنان نیز نسبت به سایر گروه‌های شیعه در لبنان، تجلی عینی اندیشه‌های سیاسی امام خمینی علیه السلام و نماینده اسلام سیاسی شیعی در این منطقه به‌شمار می‌رفت. (شیبانی، مصاحبه)

اصلی‌ترین ویژگی حزب‌الله در مقایسه با گروه‌های اسلام‌گرای شیعه در جهان عرب، پذیرش کامل نظریه ولایت‌فقیه و رهبری امام خمینی علیه السلام است. پذیرش این نظریه بر تمامی ارکان، تشکیلات و دیدگاه‌های حزب‌الله سایه انداخته و از عوامل اصلی ادغام مجموعه‌های کوچک اسلام‌گرا در سال 1982 و تشکیل حزب‌الله است. (اسداللهی، جنبش حزب‌الله لبنان؛ گذشته و حال: 174)

با پذیرش اندیشه امام خمینی علیه السلام به عنوان یگانه مصدر حاکمیت قانونی در حزب الله، این حزب علاوه بر عمل به فرامین امام خمینی علیه السلام، در پی تأسیس حکومت اسلامی مشابه جمهوری اسلامی در لبنان برآمدند. در این زمینه «حسین موسوی» از سران سابق حزب الله اظهار می‌دارد: «ما در سطح سیاسی، عقیدتی و مذهبی تابع عقاید و نظرات امام خمینی علیه السلام هستیم». (السفیر، 5 می 1984) همچنین سیدحسن نصرالله نیز در خصوص پیروی حزب الله از رهبری امام خمینی علیه السلام می‌گوید:

از نظر ما امام خمینی، مرجع دینی، امام و رهبر به تمام معنای کلمه است، همان گونه که هر رهبر بزرگ دینی در هر کیشی در جهان این گونه است. اما امام برای ما بیش از این است. ایشان سمبل و نماد انقلاب علیه طاغوت‌ها و مستکبران و نظام‌های استبدادی می‌باشد. (اسداللهی، جنبش حزب الله لبنان؛ گذشته و حال: 175)

«نعیم قاسم»، معاون فعلی حزب الله نیز خاطر نشان می‌کند:

امام خمینی به عنوان ولی امر مسلمین، علاوه بر مدیریت دولت اسلامی ایران، به وظایف سیاسی عموم مسلمین جهان در دشمنی با استکبار و استقلال درونی و وحدت کشورهای مسلمان از سلطه غارتگران مستکبر رسیدگی می‌کند. (قاسم، حزب الله لبنان: خط مشی ... : 81)

در کنار حزب الله، گروه‌های شیعی دیگری نیز وجود داشتند که با وجود اعتقاد به هماهنگی با ایران، خط‌مشی مستقلی نسبت به ولایت فقیه و نوع حکومت در لبنان داشتند. مجلس اعلای شیعیان لبنان از جمله این تشکل‌ها بود. مرحوم «آیت الله شمس‌الدین»، رئیس سابق این مجلس در پاسخ به پیشنهاد تشکیل جمهوری اسلامی در لبنان می‌گوید:

به نظر من این طرح برای لبنان و در این شرایط، طرحی است غیرواقعی. جامعه لبنان برای اینکه به صورت یک کشور متحد درآید، لازم است که کل نظام سیاسی لبنان دگرگون شده و از نو و براساس رأی هر فرد به عنوان شهروند و هم‌وطن، نه به عنوان وابستگی او به طایفه و مذهب خاصی برقرار شود. به نظر ما این طرح در این دوران می‌تواند حلال مشکلات و تنها روش مقبول در لبنان باشد. من از این

روش سیاسی به‌عنوان نظام دموکراسی فردی که بر مبنا و پایه شورا و تبادل نظر برپا باشد یاد می‌کنم. (قوچانی، جغرافیای تاریخی شیعیان ... : 1385/5/5)

علاوه بر ایشان، مرحوم «علامه فضل‌الله» نیز با وجود اذعان به اهمیت نقش ایران، تصریح کردند:

جمهوری اسلامی ایران را در لبنان باید هدفی دانست که در آینده قابل پیش‌بینی، غیرممکن است. (اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن: 122)

باوجود دیدگاه‌های مذکور میان شیعیان، ایجاد وضعیت جدید در وضعیت داخلی لبنان همزمان با تغییرات وضعیت بین‌الملل و اصلاح سیاست‌های بین‌المللی ایران در دوره آقای هاشمی رفسنجانی بود؛ بدین ترتیب رهبران حزب‌الله لبنان نیز با تعدیل در عملکرد خود، ارتباط نزدیکی با جنبش امل و مجلس اعلاهی شیعه برقرار کردند. در این زمینه «نجفعلی میرزایی»، رایزن فرهنگی سابق ایران در لبنان، می‌نویسد:

اهداف کوتاه‌مدت سیاسی جریان‌های ارزشی و طرفدار ایران درباره ضرورت برپایی جمهوری اسلامی در لبنان، جای خودش را به تلاش‌های سیاسی برای استحکام‌دادن به پایگاه ملی و جایگاه فراگروهی در حزب‌الله داد. (میرزایی، مبانی و اصول بنیادین طرح راهبردی لبنان: 18)

درواقع آنها با این اقدام سعی داشتند که ضمن حفظ ماهیت اسلامی و شیعی خود در جامعه لبنان، با تعدیل مواضع خود در مورد مسایل داخلی لبنان، اتهام ایرانی‌بودن را از خود دور سازند تا بتوانند اولاً بر شیعیان نفوذ بیشتر یابند و همچنین در جامعه لبنان مشروعیت پیدا کنند.

4. ارتقای جایگاه سیاسی - اجتماعی شیعیان

علی‌رغم اینکه شیعیان در جامعه لبنان از لحاظ جمعیت در اکثریت بودند؛ ولی عملاً نسبت به سایر ادیان در محرومیت به‌سر می‌بردند که این ناشی از عدم آگاهی طایفه شیعه در جامعه لبنان نسبت به سایر طوایف بوده است. تجدید حیات شیعیان و رشد آگاهی در

میان آنها توسط علامه شرف‌الدین و امام موسی صدر جرقه خورده و به برکت فعالیت مؤثر آنها، شیعیان توانستند به مجلس مستقل در جامعه لبنان دست یافته و از تحت یوغ فتودال‌های شیعه جدا شوند. گرچه با ناپدید شدن امام موسی صدر، شیعیان با مشکل بزرگی مواجه شدند، ولی آگاهی ایجاد شده توسط وی، زمینه تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران را برای شیعیان فراهم کرده و از آنجا که آنها سال‌ها طعم تلخ مظلومیت و محرومیت را کشیده بودند، این انقلاب را مایه امید برای رسیدن به جایگاه خود در جامعه لبنان تلقی می‌کردند.

گروه‌ها و جریان‌های سیاسی مختلف شیعه با افتخار نسبت به این انقلاب، پیشرفت خود را مدیون آن دانسته و گرچه در خصوص نحوه همکاری ایران، در میان جریان‌ها و گروه‌های سیاسی شیعی اختلاف فکری وجود داشت، ولی با این حال طایفه شیعه با توجه به حمایت مستقیم از سوی یک کشور به پیشرفت‌هایی دست یافت که قبل از این انقلاب، عملاً نسبت به سایر طوایف که حامی خارجی داشتند، عقب‌مانده‌تر بود. این عقب‌ماندگی تا حدی بوده است که «شیعیان در جامعه لبنان اصلاً جزء شهروندان عادی محسوب نمی‌گردیدند؛ بلکه سائیرین خود را ارباب شیعیان دانسته و لذا آنها حتی شهروند درجه چندم نیز به‌شمار نمی‌رفتند». (میرزایی، مصاحبه) اما به برکت شکل‌گیری هویت مستقل شیعی توانستند به جایگاه بهتری نسبت به قبل دست یابند. به علاوه اینکه کنارگذاشتن اختلافات جنبش‌های امل و حزب‌الله نیز باعث شد که شیعیان لبنان به یکی از قدرتمندترین طیف‌های سیاسی این کشور تبدیل شوند. جنبش امل به یک قدرت سیاسی تبدیل شده و همچنین حزب‌الله لبنان نیز به عنوان یک حزب شیعی، با تکیه بر مقاومت برگرفته از نمادهای شیعی و الگوی انقلاب اسلامی، یک گروه متنفذ و فعال در صحنه لبنان به‌شمار آمده و علی‌رغم خلع سلاح تمام شبه‌نظامیان در لبنان پس از پیمان طائف، این حزب در جنوب لبنان حضور مسلحانه قدرتمندی دارد. همچنین در کنار آن، با تعدیل در برنامه‌های خود و وارد شدن به عرصه سیاست، حضور تأثیرگذاری در مجلس لبنان داشته و در عرصه اجتماعی نیز برای بازسازی آنچه که در طول جنگ تخریب شده بود،

عزم خود را جزم کرده و با ایجاد نهادهای مختلف اجتماعی در لبنان، به خانواده‌های جنوب لبنان و حتی مسیحیان مقیم مناطق جنگی که در طول جنگ، متحمل خسارت‌های فراوانی شده بودند کمک کرد.

شایان ذکر است که شیعیان، هنوز نسبت به جمعیت خود، در قیاس با فرصت‌ها و امکانات سایر طوایف، به جایگاه واقعی خود در لبنان دست نیافته و از ورود به برخی از شئون از جمله ارتش ملی و برخی از مناصب اداری نیز محرومند؛ اما با این حال به تدریج از لحاظ جایگاه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در حال رشد هستند، به گونه‌ای که «در حال حاضر هیچ‌یک از طوایف و حاکمان همانند گذشته، دیگر نمی‌توانند حقوق آنها را نادیده بگیرند و جایگاه آنها به حدی رسیده است که می‌توان ادعا کرد رسیدن به هرگونه اتفاق نظر بدون جلب نظر شیعیان ممکن نمی‌باشد». (شیبانی، مصاحبه) آنها بسیاری از این موفقیت‌ها را مرهون حمایت‌های ایران هستند. «شیخ علی یاسین» یکی از روحانیون فعال، در این خصوص اظهار می‌کند: «اگر حمایت ایران نبود، ما به پنج‌جاه سال وقت نیاز داشتیم تا به دست‌آوردهای فعلی نائل گردیم». (النهار: 11 دسامبر 1986)

5. گسترش نمادگرایی شیعه (فرهنگ مقاومت)

بسیاری از شیعیان در طول تاریخ، مبارزه با فساد و ظلم را در چارچوب اعتقادی خود قرار داده و قیام را مقدمه‌ای برای انقلاب جهانی موعود می‌دانند. (صاحبی، اندیشه اسلامی در نهضت‌های اسلامی: 25) شیعه با این نگرش، مشروعیت هر حاکم ظالم را زیر سؤال برده و خواستار برپایی حکومت موعود می‌باشد و از دیدگاه بسیاری از شیعیان، تشکیل حکومت، مقدمه حکومت موعود است. گرچه این تفکر، ریشه در تاریخ شیعه دارد، ولی مرحله عملی این ایده، برای اولین بار در انقلاب اسلامی ایران بارور شد. همچنین این انقلاب، ارزش‌های نوینی همچون «جهاد»، «مبارزه با ظلم» و «شهادت» را در مبارزه سیاسی جنبش‌های اسلامی مطرح کرد که بر مبنای آن به دست‌یابی برای حقوق خود مبادرت ورزیدند.

از جمله جنبش‌های تأثیرپذیر از انقلاب اسلامی ایران در این زمینه، جریان‌های سیاسی شیعی در لبنان هستند که بی‌توجهی حکام لبنان به شیعیان، از علل اصلی گرایش آنها به اقدام جمعی برای احیای حقوق از دست‌رفته خود بوده است و این عقیده، شیعه را در لبنان به صورت یک گروه مبارز درآورد. در واقع با احیای هویت از دست‌رفته آنها توسط انقلاب اسلامی ایران، آنها خواهان دستیابی به خواسته‌های پایمال شده خود بودند. گرچه بنابر نظر برخی، احتمال استفاده از روش دیپلماسی و سیاسی برای رسیدن به اهداف شیعیان لبنان وجود داشته است، ولی از دیدگاه شیعیانی همانند حزب‌الله، این روش در شرایط نابرابر فایده نداشته و لذا شیعیان تنها راه پیروزی را تکیه بر شهادت‌طلبی جوانان و اثبات کارآیی فرهنگ شیعه دیدند. (قاسم، همان: 71 و 72)

الگوی مقاومت، متأثر از انقلاب اسلامی ایران در لبنان، تنها چندروز پس از تهاجم ارتش اسرائیل توسط عده‌ای از جوانان شیعه محقق شد و آنها توانستند با اسلحه‌های سبک، دروازه جنوبی شهر بیروت را بر روی نیروهای اسرائیلی ببندند. آن روزها جوانانی که خود را «پیرو امام خمینی» معرفی کردند، اعلام کردند که این نهضت اسلامی ایران است که انرژی مقاومت آنها را صدچندان می‌کند. (اسداللهی، از مقاومت تا پیروزی: 54) در آن سال‌ها که شیعیان جنوب لبنان سخت دچار تشنگی و چنگانگی بودند، تشکیلات اسلام‌گرا با تشکیل جنبش حزب‌الله، بدین نتیجه رسیدند که به دلیل عدم کارآیی گروه‌های موجود لبنانی، باید با استفاده از تجارب و موفقیت‌های انقلاب اسلامی ایران در تشکیلات جدید، تئوری‌های اسلامی را محقق کنند. (بی‌نا، حزب‌الله از تشکیل تا پیروزی: 1379/3/18)

استفاده از نمادهای مقدس شیعی، حزب‌الله را در انتقال پیام‌های مربوط به جهاد، شهادت، استقامت و تحمل مشکلات و مصائب، توانمند ساخته و استفاده حزب‌الله از این سمبل‌ها، باعث شد تا افراد با پیوستن به این حزب، به دنبال پیروزی ساختن اسلام بر کفر جهانی و نابودی غده سرطانی برآیند.

جرقه‌های مقاومت در جنبش حزب‌الله در قالب «عملیات شهادت‌طلبانه»، افق جدیدی

را در مبارزه گشود. مهم‌ترین عملیات‌های شهادت‌طلبانه حزب‌الله در این مقطع، نابودکردن مقر فرماندهی نظامی ارتش اسرائیل در شهر «صور» توسط «احمد قصیر» در نوامبر 1982 بود که طی آن عملیات، 76 افسر و سرباز اسرائیلی کشته شدند. همچنین در نوامبر 1983 نیز حزب‌الله یک عملیات شهادت‌طلبانه را در یکی از مقرهای اصلی نظامیان اسرائیلی انجام داد که در آن عملیات، 29 افسر و سرباز اسرائیلی کشته شدند. این عملیات‌ها، نخستین واکنش شدید در برابر اشغال، به حساب می‌آید و در واقع، بیانگر کارزاری بود که ارتش اسرائیل از آن پس در لبنان با آن مواجه شد. این وضع نشان می‌داد که نوع دیگری از مقاومت پا به عرصه وجود گذاشته است. این اقدامات تنها به مبارزه علیه اسرائیل ختم نشده، بلکه به تقابل با سایر نیروهای چندملیتی در لبنان - که از دیدگاه حزب‌الله، اشغالگر محسوب می‌شدند - سرایت کرد. مهم‌ترین این عملیات‌ها، انفجار مقر تفنگداران دریایی آمریکا در سال 1983 بود که منجر به کشته‌شدن 241 آمریکایی شده و این عملیات به عنوان «بدترین حادثه پس از جنگ ویتنام برای نظامیان آمریکایی» محسوب شد. (کدیور، همان: 116)

با خروج نیروهای چند ملیتی از لبنان، تحت تأثیر عملیات‌های استشهادی، به تدریج عملیات حزب‌الله به تقابل با اسرائیل و دشمنان داخلی این حزب که آلت‌دست نیروهای خارجی پنداشته می‌شدند، شروع شد. خسارت‌های وارده، ناشی از مقاومت، باعث فشار بر افکار عمومی اسرائیل شده و در نهایت ارتش اسرائیل در ژانویه 1985 با تصمیم کابینه این کشور عقب‌نشینی کرده و طی چند مرحله عقب‌نشینی، با استقرار نیروهای خود در یک منطقه همجوار با مرزهای جنوب لبنان، این منطقه را «کمر بند ایمنی» نام نهاد. (Zisser, Hizbollah on the Crossroad: 34)

قابل توجه آنکه اثرات عملیات‌های استشهادی، موجب حیرت همگان شد. «رابین رایت» خبرنگار آمریکایی در این زمینه می‌نویسد:

در طول تاریخ کشور یهود اسرائیل، این اولین بار بود که یک دولت یهودی تحت

فشار یک کشور عربی به عقب‌نشینی تن داده بود. اسرائیل به‌عنوان چهارمین قدرت نظامی جهان، اولین شکست خود را تجربه کرده و جنوب لبنان به‌صورت یک ویتنام درآمد. (رایت، شیعیان مبارزان راه خدا: 141 و 142)

وضعیت تقابل حزب‌الله با اسرائیل و دشمنان داخلی تا سال 1989 ادامه داشت تا اینکه بعد از «نشست طائف» در این سال، حزب‌الله با تعدیل در برخی از دیدگاه‌های سیاسی نسبت به گروه‌های داخلی لبنان، در کنار ورود به‌صحنه سیاسی لبنان و بازسازی مناطق شیعه، به‌مقاومت سرسختانه و شدید با روش‌های ابتکاری برای آزادکردن جنوب این کشور از اشغال اسرائیل پرداخت. (مهتدی، تحولات لبنان، خاورمیانه و ایران: 143) این مقاومت منجر به جنگ همیشگی بین طرفین شد تا اینکه در سال‌های 2000 و 2006، اسرائیل تحت فشار مقاومت حزب‌الله و افکار عمومی، مجبور به عقب‌نشینی از جنوب لبنان شد.

بدیهی است که چنین تحولی ناشی از تأثیر مستقیم حمایت‌های ایران بوده و رهبران و اعضای حزب‌الله نیز همواره به‌تأثیر بر صحنه سیاسی لبنان، به‌خصوص بر شیعیان این کشور از سوی ایران اذعان داشته و با افتخار از آن یاد می‌کنند. «شیخ راغب حرب» در این زمینه می‌گوید:

ما زمانی در حال ترس و اضطراب از حمله و تعرض دشمن به‌سر می‌بردیم؛ ولی در پرتو تدبیر انقلاب اسلامی ایران، اکنون این دشمن است که از ما و اسلام به‌وحشت افتاده است. (گلی زواره، شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان‌نشین: 143)

به‌طور کلی می‌توان گفت که شیعیان لبنان به‌خصوص جنبش حزب‌الله، با تکیه بر الگوی عملیات استشهادی، در راه رسیدن به‌هدف خود تلاش‌های فراوانی کردند که مهم‌ترین نتایج آن عبارت است از:

1. گسترش فرهنگ مقاومت، جهاد و عملیات شهادت‌طلبانه و اثبات کارایی آن.
2. اخراج اشغالگران صهیونیستی و سایر نیروهای خارجی از خاک لبنان.

3. سرایت روش مبارزاتی حزب‌الله بر مسلمانان فلسطین و برافروختن آتش انتفاضه به امید آزادسازی همه جانبه قدس.
4. رد الگوی مصالحه، دیپلماسی و مذاکرات بیهوده با اسرائیل.
5. سست کردن اسطوره شکست‌ناپذیری اسرائیل در میان اعراب و مسلمانان.
6. تبدیل الگوی مقاومت حزب‌الله به عامل بیداری اعراب در سراسر امت اسلامی.
7. ایجاد مشروعیت مردمی و همبستگی ملی میان بسیاری از طوایف لبنانی در خصوص مقاومت در برابر اسرائیل.
8. تبدیل شدن حزب‌الله از یک تشکل اسلامی کوچک در عرصه سیاسی لبنان، به یکی از مهم‌ترین احزاب سیاسی.

6. محوریت روحانیت در عمل سیاسی و مسجد به‌عنوان کانون مبارزه

بسیاری از روحانیون شیعه لبنان تا ابتدای دهه هشتاد میلادی، تحصیل‌کرده حوزه علمیه نجف اشرف بودند. در این دوران، شاهد ظهور جنبش زیرزمینی انقلابی عراق، به نام «حزب الدعوة» هستیم که تحت تأثیر تئوری‌های اسلامی روحانیون بلندپایه شیعه ایرانی و عراقی همچون امام خمینی ره و آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر قرار گرفتند.

حزب بعث عراق به‌منظور جلوگیری از قیام همگانی شیعیان، مبارزه همه‌جانبه‌ای را علیه نهادها و شخصیت‌های دینی شیعه در این کشور آغاز کرده و روحانیون و طلبه‌های شیعه غیرعراقی را از این کشور اخراج کرد. بدین ترتیب روحانیون شیعه لبنان مجبور به بازگشت به کشور خود شدند. این دسته از روحانیون شیعه لبنانی که بازگشت به کشورشان همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران صورت گرفت، با برپایی مدارس دینی، آموزه‌های اسلام سیاسی و انقلابی را به‌نسل جدید لبنان منتقل کرده و به تشکیلات خاصی نپیوستند. آنها تنها در مجموعه‌های کوچک و متفرق اسلام‌گرا در مناطق شیعه‌نشین لبنان به‌فعالیت و حمایت از انقلاب اسلامی مشغول شدند.

در همان سال‌های ابتدای انقلاب اسلامی (خرداد 1361)، برخی از علمای لبنانی^۱ در اجلاس جنبش‌های اسلامی با عنوان «نخستین اجلاس مستضعفان»، در تهران با امام خمینی ره دیدار کردند. حضرت امام، آنها را به بسیج مردمی علیه اشغال و مبارزه علیه اسرائیل فرا خوانده و از آنان خواست که برای آغاز فعالیت خود، مساجد را به‌عنوان کانون مبارزه انتخاب کنند. بدین ترتیب مسجد به‌مکانی برای اتخاذ تصمیمات مهم تبدیل شد و علما نیز با ایراد خطبه و سخنرانی در مسجد، آن‌را به مهم‌ترین خط ارتباطی خود با پیروانشان تبدیل کردند.

از آنجایی که مسجد برای جنبش حزب‌الله به‌عنوان مصدر دائمی بسیج طرفداران این حزب در دهه هشتاد (تا قبل از تأسیس تلویزیون المنار و رادیو النور) به‌حساب می‌آمد، سران حزب نیز با تأسیس صدها مسجد جدید، زمینه را برای اشاعه پیام‌های اسلام‌گرایانه خود مهیا کردند. مردم نیز در پاسخ به‌تهاجمات، بازداشت‌ها و اعمال خشونت‌بار نیروهای اشغالگر در حق شهروندان بی‌دفاع، به‌همراه علما به‌اعتصاب و راهپیمایی علیه اشغالگران اقدام کردند که مهم‌ترین آن، قیام جبل‌عامل و قیام روستای جبشیت به‌رهبری شیخ راغب حرب در فوریه 1984 بود که منجر به شهادت وی توسط عوامل اسرائیلی شد.

پس از ظهور رسمی حزب‌الله در سال 1984، با معرفی یک روحانی به‌عنوان سخنگوی رسمی و حضور روحانیون در شورای رهبری حزب، جایگاه روحانیون در آن برجسته شد. در آن موقع، به‌استثنای «حسین موسوی»، بقیه اعضای شورای رهبری حزب‌الله، روحانی بودند.^۲

ایدئولوژی حزب‌الله لبنان با الگوگیری از انقلاب ایران، بر اتحاد جدایی‌ناپذیر میان

1. از جمله مهم‌ترین این افراد عبارت بودند از: سیدمحمدحسین فضل‌الله، صبحی طفیلی، عقیف النابلسی،

حسین کورانی، محمد یزبک و راغب حرب.

2. از جمله این افراد می‌توان به سیدعباس موسوی، شیخ صبحی طفیلی، شیخ یزبک، سیدابراهیم الامین و شیخ نعیم قاسم اشاره نمود. (دکمیجان، اسلام در انقلاب، جنبش‌های اسلامی در جهان عرب: 305)

رهبری مذهبی و سیاسی تأکید داشته و به این سبب فقهای عالی‌رتبه، جایگاه ویژه‌ای در میان اعضای حزب‌الله و جامعه لبنان کسب کرده و مسئولیت پاسداری از پیام خداوند را به‌عهده گرفتند. این نوع پاسداری مذهبی - سیاسی شامل بهره‌برداری از تئوری‌های شهید سیدمحمدباقر صدر و حضرت امام خمینی علیه‌السلام بود. (امرائی، انقلاب اسلامی ایران و ... : 239)

نقش متمایز روحانیون در بخش‌های مختلف جنبش حزب‌الله، در هیچ‌یک از احزاب و سازمان‌های لبنانی سابقه نداشته و شاهد این مدعی این است که از ابتدای تأسیس این حزب تاکنون، روحانیون همواره اکثریت شورای حزب‌الله را تشکیل داده و ریاست پست‌های مهم حزب‌الله، همچون دبیرکل، معاون دبیرکل، شورای اجرایی، شورای جهادی و سخنگو همواره از میان روحانیون انتخاب شده‌اند و «اعضاء حزب‌الله همانند انقلاب اسلامی ایران، با حلقه به‌دور روحانیون، رهنمودهای مذهبی و سیاسی را از آنها دریافت کرده و آنها نیز با صیانت از ماهیت اسلامی و بیان دلائل شرعی در مشروعیت اعمال حزب‌الله، شبهات احتمالی را برطرف می‌کردند». (اسداللهی، جنبش حزب‌الله لبنان؛ گذشته و حال: 177 - 183)

7. اشتراک در ادبیات سیاسی و روش‌های فرهنگی تبلیغاتی

ادبیات سیاسی و شعارهای گروه‌های شیعه همچون جنبش امل اسلامی، حزب‌الدعوة و حزب‌الله در دهه هشتاد، نشانگر تأثیرپذیری شیعیان از انقلاب اسلامی است. به‌عنوان مثال «واژه‌ها و اصطلاحاتی که در آثار و بیانیه‌های آنها و یا سخنرانی شخصیت‌های این احزاب به‌کار برده می‌شد، بر گرفته از واژه‌ها و اصطلاحاتی بود که انقلاب اسلامی ایران آنها را رواج داد». (محتشمی‌پور، ناگفته‌هایی از تأسیس حزب‌الله: 42)

پس از تلفیق گروه‌های مستقل شیعه در قالب حزب‌الله از سال 1982 به‌بعد، واژه‌ها، روش‌ها و ابزارهای تبلیغاتی و فرهنگی حزب‌الله مشابهت بسیاری با ابزارهای تبلیغاتی در جامعه ایران داشت، تا جایی که می‌توان گفت که غالب اصطلاحات و واژه‌هایی که از

سوی حزب‌الله به کار برده می‌شد، از فرهنگ و ادبیات سیاسی انقلاب اسلامی و سخنان امام خمینی ره به عاریت گرفته می‌شد. از جمله آنکه به مسلمانان و سایر ملل ضعیف جهان، به دید «مستضعفان» نگریسته می‌شد و بر همین اساس، اولین ایستگاه رادیویی حزب‌الله در شهر بعلبک، «صوت‌المستضعفان» نام‌گذاری شد. آمریکا و شوروی به عنوان نمونه‌های «استکبار جهانی» معرفی شده و اسرائیل نیز به صورت «غده سرطانی» شناخته می‌شد که درصدد ریشه‌کن کردن آن بودند. همچنین پرچم‌های ایران و پرچم‌های شیعی، از قبیل «یا ابا عبدالله» و «یا مهدی ادرکنا» نیز برفراز مساجد برافراشته شده بودند. (شراره، دولت حزب‌الله لبنان مجتمعاً اسلامياً: 208 و 232)

شایان ذکر است که علاوه بر تأثیرات مذکور، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های رایزنی فرهنگی ایران در لبنان، برگزاری مراسم، تظاهرات و جشن‌هایی برای اعیاد اسلامی، روز قدس، مراسم عزاداری اهل بیت و ... با همکاری گروه‌های شیعی است که استقبال شیعیان لبنان را به همراه دارد. (نادری سمیرمی، همان: 148)

از جمله تأثیراتی که در جامعه لبنان به چشم می‌خورد این است که با گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی، در محلاتی از بیروت همانند برج البراجنه، بئر حسن، حارت حریک و همچنین در مناطق دیگری از لبنان از قبیل جبل عامل، بعلبک، نبی شیث، صور، صیدا، بنت جبیل، مارون الرأس، بنت عمیس، کفرکلا، خیام و ... هنوز تصاویر، شعارها و نوشته‌هایی در حمایت از انقلاب اسلامی و رهبری این نهضت مشاهده می‌شود. حتی در مهم‌ترین نقاط سیاسی و استراتژیک لبنان از جمله چادرهای گروه‌های معترض دولت (8 مارس) در سال 2007، در کنار کاخ نخست‌وزیری لبنان و همچنین نقطه صفر مرزی پوابه فاطمه، عکس مقام معظم رهبری در کنار سیدحسین نصرالله و نیبه بری به چشم می‌خورد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ساز احیای نهضت شیعی لبنان و الهام بخش رهایی مردم شیعه در مبارزه با اسرائیل شده و این کشور به مناسب‌ترین محل رشد و پرورش افکار انقلابی شیعه درآمده است؛ زیرا سرنگونی حکومت پهلوی در ایران، تبدیل به‌الگویی برای مبارزه علیه اشغال و بی‌عدالتی در جامعه لبنان شده و شیعیان در این کشور با کنارگذاشتن سایر الگوها و اتخاذ الگوی اسلام انقلابی برگرفته از ایران، به مبارزه برای کسب حقوق خود در جامعه لبنان پرداختند. بدین ترتیب پس از انقلاب اسلامی، شیعیان لبنان نیز با حمایت مستقیم از سوی یک کشور انقلابی و مصمم که در پی صدور آرمان‌های انقلاب بود، درصدد برآمدند تا موقعیت سیاسی اجتماعی خود را در جامعه لبنان ارتقا دهند.

رسیدن به منافع طایفه‌ای در ضمن منافع ملی یا بیرون از آن، دغدغه مهمی بود که شیعیان لبنان تحت تاثیر ایدئولوژی انقلاب اسلامی و مواضع سیاسی ایران، با گذراندن تجربه‌های مختلف اعم از نزاع، جنگ داخلی شیعه، صلح، اتحاد و ... به تدریج موفقیت‌هایی را به دست آوردند و حال پس از گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران نیز با تأثیرگذاری در عرصه‌های سیاسی (سهم بیشتر در قدرت)، اجتماعی (بهبود شدن وضعیت شهروندی) و فرهنگی (تقویت هویت شیعی)، نقش مهمی در ارتقای جایگاه شیعیان لبنان در جامعه معاصر ایفا کرده است و تأثیرات مذکور، باعث شد تا از یک سو لبنان به مهم‌ترین کانال برای اثرگذاری بر مسئله قدس، فلسطین و منازعه اعراب و رژیم صهیونیستی تبدیل شود و از سوی دیگر نیز شیعیان لبنان با انتقال از حاشیه به مرکز ثقل تحولات، نقش فزاینده‌ای را در تحولات سیاسی اجتماعی لبنان بر عهده بگیرند، به گونه‌ای که در حال حاضر بدون در نظر گرفتن نظرات و خواسته‌های آنان، دستیابی به هرگونه توافق در جامعه فرقه‌ای طایفه‌ای لبنان ممکن نیست.

در پی موفقیت‌های حاصل از انقلاب اسلامی ایران در لبنان، دشمنان جمهوری

اسلامی ایران همواره به دنبال آن بودند تا بتوانند با موج اسلام‌گرایی متأثر از انقلاب اسلامی مقابله کنند. در حال حاضر نیز طرح خاورمیانه جدید، سیاستی برای تقابل با انقلاب اسلامی تلقی می‌شود که حاکی از تلاش بی‌وقفه و نظام‌مند جهان غرب به سرکردگی آمریکا برای مقابله و مهار خاورمیانه اسلامی با محوریت تفکر شیعی و انقلاب است. آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای او می‌کوشند با طرح مسایلی چون «هلال شیعی» اذهان را نسبت به این مسئله منحرف کنند تا بتوانند جلوی تأثیرات موفقیت‌آمیز انقلاب اسلامی ایران را بگیرند. در این راستا به نظر می‌رسد که به دلیل حمایت ایران از شیعیان به خصوص حزب‌الله، بهتر است که جمهوری اسلامی ایران در گام اول در صدد وحدت تمامی شیعیان با اهدافی همچون مبارزه با اسرائیل و ... برآید و در گام دوم نیز در راستای همگرایی با سایر طوایف تلاش کند؛ همان‌طور که این اقدام در جریان تشکیل حرکت محرومین از سوی امام موسی صدر پی‌گیری شده بود.



منابع

فارسی

1. اباذری، عبدالرحیم، *امام موسی صدر سرورش وحدت*، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، 1383.
2. اسپوزیتو، جان ال، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، 1382.
3. اسداللهی، مسعود، *از مقاومت تا پیروزی*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه سازان نور، 1379.
4. _____، *جنبش حزب‌الله لبنان؛ گذشته و حال*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1382.
5. امرائی، حمزه، *انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1383.
6. بی‌نا، امام از نگاه جهان، *مجله حضور*، ش 1، خرداد، 1370.
7. بی‌نا، حزب‌الله از تشکیل تا پیروزی، *روزنامه رسالت*، 1379/3/18.
8. تدگر، رابرت، *چرا انسانها شورش می‌کنند*، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1377.
9. جرجیس، فواز. ای، *آمریکا و اسلام سیاسی*، ترجمه سیدمحمدکمال مسروریان، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1385.
10. چمران، مصطفی، *لبنان*، تهران، بنیاد شهید چمران، 1362.
11. الحر العاملی، شیخ محمدبن الحسن، *امل الامل*، تحقیق السید احمد الحسین، بغداد، مکتبه‌الاندلس، بی‌تا.
12. حسامی، شیخ شرف، (استاد حوزه عملیه سنندج)، سخنرانی در مراسم تجمع علمای مسلمین در بیروت، هتل الساحه، چهارشنبه 1386/2/26.
13. حنفی، حسن، *اسلام سیاسی*، ترجمه محمدحسن معصومی، قم، *مجله حکومت اسلامی*، سال دوم، شماره پیاپی 3، بهار 1376.

14. حیدر، عاکف، *الاشیاء باسمائها من اجل لبنان افضل*، بیروت، شرکة المطبوعات للتوزیع والنشر، 1995.
15. خوشروزاده، جعفر، *هویت‌یابی مجدد امت اسلامی، روزنامه جام جم*، 1385/11/21.
16. الخوند، مسعود، *الموسوعة التاريخية الجغرافية*، بیروت، شرکت العالمیه للموساعات، 2005.
17. دژاردن، تیری، *صد میلیون عرب*، ترجمه حسین مهری، تهران، نشر توس، 1369.
18. دعوتی، میرابوالفتح، *مسلمین شیعه در لبنان*، تهران، آثار بعثت، 1352.
19. دکمچیان، هرایر، *اسلام در انقلاب، جنبشهای اسلامی در جهان عرب؛ بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی*، ترجمه حمید احمدی، تهران، کیهان، 1366.
20. رابینوویچ، ایتامار، *جنگ برای لبنان*، ترجمه جواد صفایی و غلامعلی رجبی یزدی، تهران، نشر سفیر، 1368.
21. رایت، رابین، *شیعیان مبارزان راه خدا*، ترجمه علی اندیشه، تهران، قومس، 1372.
22. سعدون، حماده، *تاریخ الشیعه فی لبنان*، بیروت، دارالخیال، 2008.
23. شراره، وضاح، *دولة حزب الله لبنان مجتمعاً اسلامياً*، بیروت، دارالنهار، 1998.
24. صاحبی، محمدجواد، *اندیشه اسلامی در نهضت‌های اسلامی*، تهران، کیهان، 1370.
25. علیزاده، ه، *فرهنگ سیاسی لبنان*، ترجمه محمدرضا گل‌سرخ‌ی و محمدرضا معماری، تهران، نشر سفیر، 1368.
26. غریبه، حسین، *معمار هویت: بررسی نقش امام موسی صدر در شکل‌بندی هویت شیعی لبنان*، ترجمه سیدکاظم سیدباقری، *پگاه حوزه*، شماره 20، 18 خرداد 1385.
27. قاسم، نعیم، *حزب‌الله لبنان: خط مشی، گذشته و آینده آن*، ترجمه محمد مهدی شریعتمدار، تهران، انتشارات اطلاعات، 1383.
28. قوچانی، محمد، *جغرافیای تاریخی شیعیان؛ اتحاد شیعیان ایران و لبنان*، *روزنامه شرق*، 5/ 1385/5.
29. کدیور، جمیله، *رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا*، تهران، نشر اطلاعات، 1379.
30. گلی زواره، غلامرضا، *شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان نشین*، قم، مرکز

- انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1380.
31. محتشمی پور، سیدعلی اکبر، ناگفته‌هایی از تأسیس حزب‌الله، ماهنامه شاهد یاران، شماره 11، مهر 1385.
32. معینی آرانی، مصطفی، ساختار اجتماعی لبنان و آثار آن، تهران، وزارت امور خارجه، 1372.
33. مهتدی، محمدعلی، تحولات لبنان، خاورمیانه و ایران، مجموعه مقالات نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به کوشش نسرين مصفا، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، 1385.
34. میرزایی، نجفعلی، مبانی و اصول بنیادین طرح راهبردی لبنان، قم، سازمان حوزه‌ها و مدارس خارج از کشور، مرکز اسناد سازمان، 1379.
35. نادری سمیرمی، احمد، لبنان، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، 1376.
36. هوبر، احمد، دستاوردهای انقلاب اسلامی در جهان امروز، مجله حضور، شماره 1، خرداد 1370.
37. وبر، ماکس، مفاهیم اساسی در جامعه‌شناسی، ترجمه احمد صدارتی، تهران، نشر مرکز، 1376.
38. یزدی، ابراهیم، نقش امام موسی صدر در لبنان و انقلاب ایران، یادنامه امام موسی صدر، ویژه‌نامه تاریخ و فرهنگ معاصر، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، قم، مرکز بررسی‌های اسلامی، 1375.
39. العاملی، محمدتقی آل‌فقیه، جبل عامل فی التاریخ، بغداد، دارالساعه، 1346.
40. فحص، هانی، شیعه لبنان: الرقم الصعب محلیاً و إقليمياً.
- http://www.al-bayyna.com.
41. المهاجر، جعفر، التأسيس لتاریخ الشیعه فی لبنان و سوریه، بیروت، دارالملاک، 1992.

انگلیسی

42. Buheiri, M.R., "Intellectual Life in the Arab-east 1890-1939", Beirut, 1981.

43. Fawaz, Leila Tazari, "**Merchants and Migrants in Nineteenth-Century Beirut**" Cambridge, mass, 1983.
44. Marirus Deeb, "Lebanon : prospects for national reconciliation in the MID", *Middle East Journal*, No 2, 1980.
45. Olmert, Joseph, "**The Shiites Of Lebanon**" In Martin Kramer, "**Shiism Resistance and Revolution**", London , Menasell Publication, 1987.
46. Zisser, Eyal, "**Hizbollah on the Crossroad**", Middel East Review of International Affaires (MERIA), 1997.

مصاحبه

47. شیبانی، محمدرضا، سفیر (سابق) جمهوری اسلامی ایران در بیروت، محل سفارت ایران در بیروت، جمعه، 1386/2/28.
48. میرزایی، نجفعلی، رایزن فرهنگی سابق ایران در لبنان، قم.
49. صدر، سیدصدرالدین، (پسر امام موسی صدر)، مؤسسه الامام الموسی الصدر، شهر صور لبنان، شنبه، 1386/2/29.
50. سلمان، طلال، سردبیر و صاحب امتیاز روزنامه السفير لبنان، بیروت، دفتر روزنامه السفير، جمعه، 1386/2/28.

